

جادوی قصه: دروازه‌ای به دنیای بی‌کران خواندن!



۱. برگرفته از مقاله‌ی «یکی بود یکی نبود (اهمیت، روش و مهارت قصه‌گویی)، سایت باغ بیداری»

آیا تاکنون فکر کرده‌اید که چرا قصه‌ها اینقدر قدرتمندند و چرا از کودکی عاشق شنیدنشان بوده‌ایم؟



علاقه به قصه در نهاد ماست، یک هدیه از خالق که همیشه ما را به سمت داستان‌ها کشانده است. قصه‌گویی پیشینه‌ای به قدمت تاریخ بشر دارد. اما به راستی چه چیزی در قصه این چنین قدرتمند است که شنونده را در هر سنی مسحور خود می‌سازد؟

بیایید با هم نگاهی عمیق‌تر به ماهیت و کارکردهای متنوع قصه‌گویی بیاندازیم و ببینیم این قصه‌های دوست‌داشتنی، چطور می‌توانند زندگی ما و به خصوص کودکانمان را رنگین‌تر و پربارتر کنند.

۱. قصه‌ها، گنجینه‌ای از تجربه و دانش بی‌جان:

به لحاظ پیشینه‌ی تاریخی، قصه‌گویی و گوش سپردن به قصه‌ها همواره یکی از مهم‌ترین و رایج‌ترین راه‌های انتقال تجربه بوده است. قصه‌ی یک قوم، همچون گنجینه‌ای ارزشمند، سینه به سینه به نسل‌های بعد منتقل شده است. اما فراتر از این، قصه‌گویی ظرفیتی آموزشی دارد که مفاهیم را به‌صورتی تأثیرگذار و سازنده به کار می‌گیرد. مفاهیمی مثل دوستی، صبر، انصاف، ظلم، دروغ‌گویی و... در قصه‌ها جان می‌گیرد و در داستان به جریان می‌افتد. این چنین است که این مفاهیم از حالت مجرّد و ذهنی به ماجرای عینی و ملموس تبدیل شده و نتایج طبیعی خود را در قالب زندگی آشکار می‌سازند. به این ترتیب، دانش بی‌جان عملاً بی‌فایده خواهد بود، اما در قصه‌ها، دانش به بهترین و صحیح‌ترین شکل آموخته می‌شود، چرا که جان می‌گیرد!

۲. اثر قصه در رشد شناختی کودک: راهی برای کشف دنیا!

ساخت ذهنی کودک توان دریافت پیام‌های مستقیم را، به‌ویژه وقتی پیچیده و مبهم باشند، ندارد. او هنوز فرصت کشف دنیا را از طریق راه‌های دیگر مانند خواندن، سفر کردن، آزمایش کردن و... پیدا نکرده است. اینجا قصه‌ها وارد می‌شوند! شنیدن قصه‌ها او را با تجربیات جدید آشنا می‌کند و پیام‌هایی را که برای شکل‌دهی زندگی اجتماعی، عاطفی و روانی خود به آن نیاز دارد، منتقل می‌سازد. قصه‌ها این وظیفه را بر عهده می‌گیرند؛ با زبانی ساده و خالی از رمز و راز و در حالت تمثیل و اشاره، آنچه را که کودک نیاز به دانستن آن دارد، در اختیارش می‌گذارند.



کودک در قصه‌ها می‌بیند که نیکی همه‌جا در کنار بدی حاضر است و از وجود این دوگانگی آگاه می‌شود. او درمی‌یابد آنچه باعث بقا و خوشبختی بشر است، نیکی است که باید برای نیل به آن به جنگ بدی برخاست و



طعم میوه شیرین پیروزی نیکی بر بدی را چشید. علاوه بر این، رشد و بالندگی قوه تخیل کودک از طریق قصه‌ها و افسانه‌ها اتفاق می‌افتد. کودک در حین تعقیب روال منطقی قصه‌ها، خود را با برخی از شخصیت‌ها همانند می‌کند، جای آن‌ها می‌نشیند و برای مقابله با مشکلات برنامه‌ریزی می‌کند. حتی نقد می‌کند و می‌گوید: “اگر به جای این کار، کار دیگری انجام می‌داد ممکن بود...” پیش‌بینی آنچه باید اتفاق بیفتد، نیاز به استفاده از قوه تخیل دارد و قصه‌ها به نحوی مطلوب به این قصد خدمت می‌کنند.



قصه‌گویی می‌تواند کودکان را برای شناخت شخصیت‌های گوناگون و واکنش مناسب در مقابل آن‌ها توانمند سازد. با وجود شخصیت‌های متنوع (زیبا و زشت، خردمند و ابله، بی‌ریا و حيله‌گر) و طیف گسترده‌ای از احساسات (حسادت، عشق، تنفر، قناعت، حرص، فریب، خشم و همدردی)، قصه به کودک امکان شناخت و تجربه‌ی این شخصیت‌ها و احساسات را می‌دهد. نظم‌بخشی منطقی به ذهن کودک نیز مورد دیگری است که قصه‌ها و افسانه‌ها برای کودکان انجام می‌دهند. قصه‌ها برای ارسال پیام خود، مجبورند از نظامی منطقی پیروی کرده و داستان را به‌صورتی منظم به پیش ببرند. تعقیب این نظم و پیوستگی منطقی خود باعث می‌شود تا فکر کودک روالی منطقی و منظم یابد.

۳. اثر قصه در رشد عاطفی کودک: پرورش همدلی و خوداتکایی!

قصه‌گویی در رشد عاطفی و پرورش خلاقیت کودکان نقشی اساسی ایفا می‌کند. کودک با شنیدن قصه، تصویرسازی ذهنی را تمرین می‌کند. او همزمان با شنیدن، صحنه‌ها، عمل داستان و شخصیت‌های آن را در ذهنش خلق می‌کند و کسب این مهارت، توانایی تخیل را در او تقویت می‌کند. تجربه نشان داده کودکانی که توانایی تخیل بیشتری دارند، در همدلی با دیگران نیز تواناتر هستند. پرورش همدردی و انسان‌دوستی در کودک، یعنی پرورش توانایی اعجاب‌آور انسان در آشفته شدن از بدبختی دیگری و در خوشحال شدن از شادی دیگری و تجربه‌کردن سرنوشت شخص دیگر به عنوان سرنوشت خود، یکی از اهداف مهم قصه‌گویی است.

هدف قصه‌ها و افسانه‌ها کمک به کودک در گسستن وابستگی به غیر و اتکا بر توان خود است. کودک بر این باور است که بدون وابستگی‌ها، زندگی‌اش در خطر است، اما با شنیدن قصه‌هایی که در آن درمی‌یابد چگونه قهرمان قصه، یکه و تنها و به اتکای اندیشه‌ی خود توانسته بر انبوه مشکلات غلبه کند و از کار خود لذت ببرد، به این باور می‌رسد که اگرچه در اجتماعی به هم پیوسته زندگی می‌کند، اما باید بیشتر بر توان فکر و دانش خود اتکا کند. یکی از پیام‌های افسانه‌ها این است که آدمی هرگز با معجزه به انجام کاری موفق



نمی‌شود؛ قهرمانان قصه تنها به این سبب توفیق پیدا می‌کنند که در کار خود شجاعت، ابتکار و پشتکار به خرج می‌دهند.

۴. اثر قصه در تربیت اخلاقی کودک: درس‌های زندگی بی‌نصیحت!

از لحاظ تربیتی، قصه‌گویی فراتر از هر نوع موعظه و سخن‌وری تأثیرگذار است. پیام‌های تربیتی قصه چون در قالبی نزدیک به زندگی ارائه می‌شود و از نظر کودک شبیه موعظه و نصیحت نیست، برای او پذیرفتنی‌تر و قابل‌باورتر می‌گردد. همان‌طور که پیش‌تر اشاره شد، مفاهیمی مثل دوستی، صبر، انصاف، ظلم و دروغ‌گویی در قصه‌ها جان می‌گیرد و از مفاهیمی مجرد و ذهنی به ماجرایی عینی و ملموس تبدیل می‌شود.

قصه به مخاطبین خود درکی فراگیر درباره‌ی زندگی مردم نقاط مختلف جهان می‌بخشد و نشان می‌دهد که در این گیتی پهناور، کسان دیگری هم هستند که خلق و خو و ارزش‌های معنوی‌شان با ما متفاوت است. به همین



دلیل قصه‌گویی به فهم کودک از دیگران و عقایدشان کمک می‌کند. گوش دادن به قصه به‌ویژه برای کودکان کم‌سن، تجربه‌ای بسیار خاص و تقریباً روحانی است. این تجربه در درک کودک از جهان، نقشی جدی دارد. او با شخصیت‌های قصه هم‌ذات‌پنداری می‌کند، آن‌ها را با موقعیت‌های روزمره‌اش مقایسه می‌کند و بدین ترتیب، قصه به ابزاری قوی جهت آموزش مفاهیم اخلاقی و مهارت‌های زندگی تبدیل می‌شود. کودک در جریان قصه سعی می‌کند خود را با قهرمان قصه همانند سازد و همگام با او تمام سختی‌ها و مشکلات را تجربه کند و می‌آموزد که قهرمان برای حفظ چیزهای نیکو و مقابله با بدی‌ها باید تلاش کند.

یکی دیگر از موارد اهمیت قصه‌ها، تأثیر آن‌ها در موضوع همانندسازی (قهرمان‌سازی) در کودک و نوجوان است. همانندسازی در سنین کودکی و نوجوانی از اهمیت

بیشتری برخوردار است. کودک با شنیدن یا خواندن قصه تحت تأثیر گفتار و رفتار قهرمان داستان قرار می‌گیرد، از او تقلید می‌کند و خود را به جای او می‌گذارد. همانندسازی، در صورت استفاده از الگوهای مناسب، کمک مؤثری در تشکیل و رشد شخصیت کودک محسوب می‌شود. در قصه‌ها و افسانه‌ها به کرات شاهد جنگ میان خیر و شر، خوبی و بدی و... هستیم. در تمامی موارد، بعد از یک سری رویدادها، سرانجام خوبی بر بدی غلبه می‌کند. این نوع نتایج با توجه به رشد ذهنی کودک که هنوز قادر به درک مسائل پیچیده اخلاقی نیست، بازخوردی عینی برای او فراهم می‌سازد. کودک درمی‌یابد که سرانجام پیروزی با خوبی است و ناخودآگاه خود را با قهرمان و شخصیت خوب داستان همانند می‌سازد. نکته جالب آنکه



قصه‌ها برخلاف برخی والدین، سعی در کتمان بدی‌ها نمی‌کنند، بلکه با بیان و تأکید بر وجود آن‌ها، راه حل غلبه بر آن‌ها را در اختیار کودکان قرار می‌دهند.

۵. اثر قصه بر زبان و گسترش مهارت‌های زبان‌آموزی: غنی‌سازی دایره لغات!

به لحاظ زبان‌آموزی، دایره‌ی لغات کودک با گوش سپردن به قصه غنی‌تر می‌شود. از آن‌جا که او لغات جدید را در زمینه‌ی یک قصه آموخته است، آن‌ها بهتر در ذهن او ثبت می‌گردند. قصه ذهن را به‌خوبی با لغات و معانی آن درگیر می‌کند و از این جهت به لحاظ انتقال معانی، ظرفیت و کاربرد بالایی دارد. قصه‌گویی و قصه‌خوانی برای رفع مشکل کمبود روانی کلام و تأکید کمتر بر معانی در آموزش‌های امروز، شیوه‌ای بسیار مفید و مطلوب خواهد بود.

۶. اثر قصه در تجربه‌ی زیبایی شناختی و ادبی برای کودک: زندگی در جهان‌هایی دیگر!

دنایای واقعی-غیرواقعی قصه‌ها به شنونده این امکان را می‌دهد که گونه‌های مختلف زندگی را تجربه و انتخاب نماید. شنونده با شروع قصه به دنیای جدیدی قدم می‌گذارد، تلاش می‌کند، از امکانات خود استفاده می‌کند، با محیط ارتباط برقرار می‌کند و همراه با قهرمان داستان لحظات ترس، خشم، اضطراب و عشق را تجربه می‌نماید و در این فضا دست به انتخاب می‌زند. قصه این امکان را برای ما فراهم می‌کند که در جهان‌هایی دیگر زندگی کنیم، جهان‌هایی که نیست اما دوست داریم که باشد. قصه به ما رؤیایی می‌دهد که در درونمان شور تغییر و دگرگونی ایجاد می‌کند. از این جهت قصه و قصه‌گویی می‌تواند ابزاری عالی برای یادآوری درست و غلط‌ها و نقد شیوه‌های غلط زندگی باشد، زیرا قصه همه‌ی اجزای یک زندگی واقعی را داراست و می‌توان در آن نتایج رویکردها و انتخاب‌های انسان را پیگیری نموده و نقد و اصلاح کرد.

قصه‌گویی به‌صورت خاص ادبیات را در زندگی مخاطبان خود وارد می‌کند. کودکان قبل از این‌که خود بتوانند بخوانند با شنیدن قصه‌ها امکان تجربه‌ی ادبی شیرینی را پیدا می‌کنند. قصه‌گویی می‌تواند کسانی را که احتمالاً هرگز در زندگی با ادبیات داستانی آشنا نشده‌اند و هیچ‌وقت تجربه خواندن قصه‌های خیالی را نداشته‌اند، به خواندن ترغیب کند. از جنبه‌ی زیبا شناسی نیز قصه‌گو به صورتی موزون و جذاب با کلمات کار می‌کند. به بیان دیگر، لحن کلمات و سبکی که نویسنده با استفاده از آن، کلمات را کنار هم می‌گذارد، الگویی آهنگین ایجاد می‌کند که خوشایند است و حس زیباشناسی کودک را تقویت می‌کند.



۷. اثر قصه در ترغیب کودک به مطالعه و مراجعه به کتاب‌ها: پلی به سوی کتابخوانی!

قصه تأثیر زیادی در ترویج کتابخوانی دارد. قصه‌گویی مانند پلی میان داستان و کتاب ارتباط برقرار می‌کند. وقتی قصه‌گو کتابی که قصه از آن انتخاب شده‌است را معرفی می‌کند و همین‌طور از صدها قصه‌ی حیرت‌انگیز دیگری که هر یک را می‌توان در بقیه‌ی کتاب‌ها پیدا کرد تعریف می‌کند؛ به طور همزمان بچه‌ها را به خواندن کتاب هم تشویق می‌نماید.

۸. قصه‌گویی؛ فعالیتی سهل، ساده و مطلوب: گرمابخش روابط خانوادگی!

قصه‌گویی را می‌توان بدون وسیله و مقدمات خاص در هر محیط و خانه‌ای اجرا کرد. شاید همین ظرفیت مثبت و کم‌هزینه موجب فراگیری و جهان‌شمولی قصه‌گویی شده است. نهایتاً قصه‌گویی براساس ویژگی‌های مذکور می‌تواند زمینه‌ای برای تحکیم روابط خانوادگی و حل مسائل خانواده فراهم کند و رابطه‌ای گرم و صمیمی میان افراد خانواده برای پاسخگویی به نیازهای مختلف آن‌ها باشد. اهمیت قصه‌های کودکان، امکان برقراری ارتباط عاطفی میان قصه‌گو و کودک است. از لحاظ روانی، کودک به محیط عاطفی امن نیازمند است. صرفاً قصه گفتن برای کودک اهمیت چندانی ندارد، بلکه چگونگی قصه‌گویی و ایجاد ارتباط با کودک مهم‌تر است.

وقتی کودک در آغوش یا در کنار والدین قرار گرفته و همگام با شنیدن قصه، گرمای وجود والدین را احساس می‌کند، خود را در حریمی محفوظ از تمامی خطرات می‌بیند. کودک در هنگام قصه‌گویی، به‌ویژه زمانی که از لحاظ عاطفی احساس کاستی می‌کند، سعی دارد تا در حریم امن وجودی والدین و قصه‌گو قرار گیرد و کاستی عاطفی خود را با نزدیک شدن به قصه‌گو جبران کند.

پس بیایید با هم، با جادوی قصه، این میراث هزاران ساله را زنده نگه داریم و دروازه‌های دنیای بی‌کران کتاب‌ها را به روی فرزندانمان بگشاییم و شوق خواندن را در دلشان روشن کنیم. قصه‌ها فقط سرگرمی نیستند؛ آن‌ها زندگی می‌سازند!

